

شرق روزنامه

گالری گردی

منصور طبیب‌زاده: روح زیست‌بوم ایرانی در مجسمه‌هایم دمیده شده‌است

منصور جهانسی: «منصور طبیب‌زاده» درباره نمایشگاه انفرادی مجسمه‌های خود در گالری «آس» تهران گفت: روح زیست‌بوم ایرانی از طریق استفاده از انواع چوب‌های اقلیم‌های مختلف ایران در مجسمه‌هایم دمیده شده است.

نمایشگاه انفرادی مجسمه «منصور طبیب‌زاده» با عنوان «ماکزیمال» با آثاری منحصربه‌فرد و با استفاده از انواع چوب‌هایی از اقلیم‌های مختلف ایران هم‌اکنون در گالری «آس» تهران برپاست. این هنرمند با تکنیکی ویژه و با استفاده از روش معرق اما با شکل و بیانی نوین و معاصر و با بهره‌گیری از ترکیبی پیچیده از کثیری از قطعات متنوع چوب، آنها را خلق کرده است.

«منصور طبیب‌زاده» از هنرمندان سرشناس کشور، متولد ۱۳۳۳ و فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و مدرس هنرهای تجسمی در دانشکده‌های هنر کشور است. این هنرمند، سابقه برگزاری ۱۴ نمایشگاه انفرادی و بیش از ۴۰ نمایشگاه گروهی داخلی و خارجی و همچنین شرکت در چندین بی‌ینال و سمپوزیوم مجسمه داخلی و بین‌المللی را در کارنامه خود دارد. شاید در این نمایشگاه اتفاقات خاصی بیفتد که در نوع خودش منحصربه‌فرد است. این هنرمند مجسمه‌ساز درباره نمایشگاه «ماکزیمال» در گالری «آس» تهران گفت: خوشحالم بعد از مدتی نمایشگاهی را در گالری «آس» گذاشتم؛ چون فضای آن مناسب است و به‌ویژه برای کارهای من ایده‌آل بود استفاده بهینه‌ای شده است و امیدوارم مخاطبانی که مایل هستند، بتوانند از نزدیک این آثار را ببینند. شاید به قضاوت من اتفاقی در این نمایشگاه افتاده باشد که در نوع خودش خاص باشد. در این نمایشگاه، تعداد ۱۵ اثر را به نمایش گذاشته‌ام که محصول حدود چهار الی پنج سال اخیر کاری من است. با توجه به اینکه کارهای من هم به لحاظ نوع تکنیک و هم نوع ساختار از ویژگی‌هایی برخوردار است که بسیار کاربر و زمان‌بر است؛ بنابراین دوره‌های طولانی زمان می‌برد تا مجموعه‌ای برای یک نمایشگاه فراهم شود. به‌همین دلیل، بین نمایشگاه‌های من مقداری فاصله‌ها طولانی می‌شود. ولی خب از لحاظ کیفی شاید اتفاقات خاصی در این نمایشگاه بیفتد که در نوع خودش منحصربه‌فرد است.

شکل‌دادن سبک فردی

وی درباره سبک فردی در خلق مجسمه‌های نمایشگاه «ماکزیمال» گفت: به‌هر حال کسانی که آثار من را می‌شناسند در طول زمان، با کار مداوم و تجارسی که در زمینه تکنیک و همچنین مطالعاتی که داشتم آرام‌آرام سبک فردی کار خودم را شکل دادم. که این هم به تدریج هر هنرمند واقعی باید در طول مسیر کارش را به این مرحله برسد که بتواند آن استایل و سبک فردی‌اش را شکل دهد. به‌همین دلیل در مسیر کار من، آن ساختار و سبک فردی را که شکل دادم دارای ویژگی‌هایی است و آن این است کار ترکیبی از مجموعه قطعات متنوع چوب است که اینها با همدیگر جفت‌وجور و بخیه می‌شوند و درواقع فرم را می‌سازند.

استفاده از ۳ هزار قطعه چوب در یک مجسمه

«منصور طبیب‌زاده» درآدمه‌اس اظهار کرد: برای مثال، ممکن است در یک اثر من چیزی درحدود دو یا سه هزار قطعه چوب وجود داشته باشد که مثل پازل البته با تکنیک ویژه‌ای با همدیگر جفت‌وجور می‌شوند؛ بنابراین اتفاقی که می‌افتد هم بافت ویژه‌ای ایجاد می‌شود که آن بافت در ارتباط با معنای کار من درواقع تأثیرگذار می‌شود؛ یعنی رابطه‌ای بین تکنیک و معنا وجود دارد و هم اینکه برای اولین‌بار شاید رنگ و تنوع رنگی وارد مجسمه می‌شود؛ رنگی که به عنوان یک عنصر ثانوی معمولا در نقاشی مطرح می‌شود این‌بار در اشکال حجمی و در مجسمه و درواقع یک واریاسیون و توانیلت‌های رنگی خاصی را ایجاد کرده است.

تکنیک معرق را به این شیوه، برای اولین‌بار وارد حجم کردم

وی افزود: ما در اینجا با دو ویژگی مواجه هستیم؛ یکی بحث بافت ویژه کار و دیگری بحث عنصر رنگ است و نکته دیگر که در نوع خودش کاملا تازگی داشته استفاده از آن چیزی است که در تاریخ هنرهای تجسمی ما وجود داشته و آن تکنیک معرق است، ما در فرهنگ تجسمی‌مان در طول تاریخ تکنیک معرق را به شکل خیلی متعالی آن، هنرمندانمان بیشتر در سطوح ودیعی و به شکل ترکیبی از آن استفاده کرده‌اند؛ درواقع من تکنیک معرق را به این شیویه برای اولین‌بار وارد حجم کردم؛ منتها در شکل و بیان معاصر آن، دیگر آن ویژگی‌های سنتی معرق که ویژگی انتزاعی داشت در این آثار نیست برای اینکه بیان آن کاملا نوین و معاصر است. بنابراین شما با آثاری مواجه می‌شوید که هر کدام به لحاظ کیفی و ساختاری زمان زیادی برده است، مثلا در این نمایشگاه اثری وجود دارد که شاید حدود نزدیک به یک‌سال روی آن کار کرده‌ام.

استفاده از چوب‌های مربوط به اقلیم‌های مختلف ایران

این هنرمند درباره انتخاب چوب‌ها برای خلق آثارش گفت: نکته مهم این است چوب‌هایی که در کارهای این نمایشگاه و کلا در آثار من وجود دارد، چوب‌هایی است که مربوط به اقلیم‌های مختلف جغرافیای ایران است، بنابراین می‌توانم بگویم از همه گونه‌های چوبی‌که از تمام اقلیم‌های مختلف ایران وجود دارد به‌نوعی استفاده کرده‌ام؛ هم به لحاظ رنگ و توانیلت‌های رنگی‌ای که دارند و هم به لحاظ کیفیت و بافتی که در این چوب‌ها وجود دارد. بنابراین شاید اتفاق خاص دیگری که در آثار من افتاده این است از نظر خودم یک جوری بود که روح زیست‌بوم ایرانی از طریق استفاده از انواع چوب‌هایی که در اقلیم‌های ایران است هم در کارم دمیده شده است. **عنصر رنگ را با گونه‌های مختلف چوب وارد کار کردم**
وی افزود: چون در طبیعت گونه‌های مختلف چوب درخت‌ها هر کدام رنگ و ویژگی دارند، بنابراین طیف رنگی‌ای که در گونه‌های مختلف درختانی که در جغرافیای کل کره زمین وجود دارد این‌قدر گسترده است که شاید هیچ‌کسی تصور نکند ما تمام رنگ‌هایی که می‌توانیم تصورش را داشته باشیم در یک گونه خاصی از چوب ممکن است یکی از آنها وجود داشته باشد. من بدین شیوه عنصر رنگ را با این گونه چوب وارد کار کردم برای اینکه این رنگ‌ها را با همدیگر کار و آن بافت رنگی را ایجاد کنم.

دیده

شیردل در پشت صحنه «سمفونی زاینده‌رود»

شرق: کامران شیردل، مستندساز پیش‌کسوت، از پشت صحنه مستند «سمفونی زاینده‌رود» بازدید کرد؛ این مجموعه تولید جدید شبکه مستند است. این مستند به اصفهان و زاینده‌رود آن، از زوایای گوناگون می‌پردازد. به گزارش روابط‌عمومی شبکه مستند سیما، «سمفونی زاینده‌رود» به تهیه‌کنندگی سیدمحسن طباطبایی‌پور در ۱۲ قسمت به‌وسیله ۱۲ کارگردان در حال ساخت است. چندی پیش کامران شیردل، مستندساز پیش‌کسوت سینمای ایران، در سفری که به اصفهان داشت، از پشت صحنه ساخت این مستند بازدید و با کارگردانان آن دیدار و گفت‌وگو کرد.

«با تو شادم زاینده‌رود»، «سازنده‌رود»، «غارهای یخی»، «نغمه‌های پل»، «اوی مثبت اوی منفی»، «آدم‌های روی پل»، «زاده آب»، «زنان تالاب»، «سفرنامه سیاحان»، «دو رود»، «فرزندان زاینده‌رود» و «عکاسان حاشیه زاینده‌رود» عناوین قسمت‌های این مجموعه است که به‌ترتیب ازسوی نفیسه توتونی، هاشم مرتضویان، جمال اسکونی، فرشاد احمدی، عزت‌الله پروازه، فرهاد بردبار، محمد محمودی، شاهره سجادی، علی جعفری، محمد غازی، رسول انتشاری و ابودر مسائلی ساخته می‌شود.

«سمفونی زاینده‌رود» در این ۱۲ قسمت به موضوعاتی مانند ارتباط زاینده‌رود با شادی و ناشادی و سلامت مردم اصفهان از دیدگاه زنانه، ارتباط صنعت اصفهان و زاینده‌رود، یخچال‌های کوه زردکوه در منطقه کوهرنگ، تأثیر معماری خاص پل خواجه

در تجمع و هنرنمایی دوست‌داران آواز در اصفهان، تأثیرات بی‌آبی در زندگی کشاورزان، ساخت پل‌های جدید و تعامل میان آدم‌های شهر و پل‌های زاینده‌رود در عصر جدید، نگاهی به حال و اوضاع زاینده‌رود در سرچشمه، مرکز و انتهای رود، وضعیت تالاب گاوخونی و چگونگی عملکرد گروهی مردم‌نهاد در جهت حفظ و بقای آن، اصفهان از نگاه سیاحان، پژوهندگان و شرق‌شناسان، بررسی نقش زاینده‌رود در هویت‌بخشی به اصفهان از طریق مقایسه آن با رودی مشابه در شهر فرایبورگ که خواهرخوانده اصفهان خوانده می‌شود، جوی‌های اصفهان و زندگی و خاطرات عکاسان قدیمی و سیار حاشیه زاینده‌رود می‌پردازد.

نمایشگاه عروسک در گالری والی

شرق: تازه‌ترین مجموعه نقاشی‌های «سیامک عزمی» از ۱۶ دی در گالری والی آغاز به کار کرده است.

عروسک عنوان این نمایشگاه است که در آن تابلوهای هزاررنگ و ظرافت‌های بصری بسیار کایه‌ای درباره استحاله بشر معاصر به تصویر درآمده است. عزمی عقیده دارد انسان از ساحت ذاتی خود دور شده است؛ در ۱۱ اثر نمایشگاه عروسک، پرسوناژهای انسانی دیده می‌شوند که با عروسک آمیخته شده‌اند.
برتره‌هایی که اغلب گریم دلکش‌ها را دارند، بر روح تأمل‌برانگیز آثار افزوده‌اند. نمایشگاه نقاشی‌های سیامک عزمی تا ۲۸ دی‌ماه در گالری والی، به نشانی میدان ونک، خیابان خدای، پلاک ۷۲ به نمایش درمی‌آید.



عکس: رتوفه رستفنی، شرق

گفت‌وگو با سروش صحت

خودمان را محدود کردیم

شود و فیلم‌هایی برای سلیقه‌های مختلف در سبک‌وسباق‌های مختلف ساخته شود. قطعا دست سینما در پرداخت سوزهای طنز بازر از تلویزیون است. تفاوت عمده این دو نیز در این است که در سینما برای دو ساعت فیلم می‌سازي، در صورتی که یک سریال تلویزیونی در تعداد قسمت‌های زیادی ساخته می‌شود، مثلا سریال «لیسانسه‌ها» ۶۰ قسمت است. تصور کنید دوازدهو ۴۰۰ دقیقه به جای ۹۰ دقیقه! قابل مقایسه نیست. تماشاگران تلویزیون سینما در چند ماه اخیر بیشتر شده‌اند، اما باز هم به تعداد تماشاگران تلویزیون نمی‌رسند و بالطبع بینندگان تلویزیون آستانه تحمل کمتری دارند. تصور می‌کنم اگر با خودمان تمرین کنیم که آستانه تحملمان را بالاتر ببریم و دستانم در شوخی‌ها بازر باشد تولیدات بهتری در تلویزیون می‌بینیم. ما دوست نداریم مردم ناراحت شوند اما اگر یاد بگیریم شوخی را شوخی بگیریم، آن زمان بهتری می‌توان در تلویزیون یا سینما کار کرد.

❧ گویا قرار است به‌زودی کارگردانی سینما را تجربه کنید. مه‌ران مدیری یا پیمان قاسم‌خانی هم پس از سال‌ها دست به چنین تجربه‌ای زدند. کارگردانی

سینما برای شما به معنی قطع همکاری با تلویزیون است؟
دوست دارم تجربه کسب کنم و بعد به سراغ سینما بروم. اما این به معنی قطع ارتباط با تلویزیون نیست.

❧ کار سینمایی هم طنز خواهد بود؟

مایه‌های طنز دارد. اصولا مدتی است سلیقه‌ام مدام تغییر می‌کند، اما نگاهم به هیچ کاری صرفا طنز نیست. معتقدم در هر کاری همان‌قدر که طنز و کمدی هست، رگه‌هایی از غم هم پیدا شود، مثل زندگی، چراکه زندگی هم تلفیقی از غم و شادی است.

❧ جرح و تعدیلی در سریال «لیسانسه‌ها» انجام شد؟

خدا را شکر در این سریال، تلویزیون با ما همراه بود و به مشکل خاصی برخوردیم.

❧ **تصور می‌کنم اگر با خودمان تمرین کنیم که آستانه تحملمان را بالاتر ببریم و دستانم در شوخی‌ها بازر باشد تولیدات بهتری در تلویزیون می‌بینیم. ما دوست نداریم مردم ناراحت شوند اما اگر یاد بگیریم شوخی را شوخی بگیریم، آن زمان بهتری می‌توان در تلویزیون یا سینما کار کرد**

❧ **در کارهای شما جنبش بازیگران به صورتی است برخی چهره‌ها که ممکن است خیلی برای مخاطب عام آشنا نباشند، حضور دارند و حضور بازیگران تئاتر بزرگ‌تر است، در «لیسانسه‌ها» هم همین اتفاق تکرار شده و ترکیب متفاوت‌تری از بازیگران را می‌بینیم.**

خودم خیلی به اینکه در این سریال جنبش متفاوت‌تری صورت گرفته است اعتقاد ندارم، چراکه در کارهای قبلی هم مثل «ساختمان پزشکان» یا «پژمان» ترکیبی از بازیگران باتجربه‌ای که بیشتر برای مخاطب آشنا هستند و بازیگران جدید و مستعدی که به بازی آنها ایمان داشتم را شاهد بودید و در این سریال هم همین اتفاق افتاد.
تابه‌حال در هر سریالی که ساختم گروه بازیگرانش را دوست داشتم. هوش شکیبا، امیر کاظمی، امیرحسین رستمی، بهنام تشکر، کاظم سیاحی، بیژن بنفشه‌خواه، سیاوش چراغی‌پور، رؤیا میرعلمی و بازیگران دیگری که در این مجموعه هستند، به معنی واقعی همراه بودند و نقش و موقعیت‌هایشان را



عکس: رتوفه رستفنی، شرق

بهناز شیربانی: «لیسانسه‌ها» تازه‌ترین تجربه کارگردانی سروش صحت در تلویزیون است؛ سریالی که تفاوت‌هایی با ساخته‌های پیشین صحت دارد و شاید این سریال به‌نوعی به مخاطبیش گوش‌زد می‌کند تا چه خنداندن مخاطب و ساخت سریال طنز برای او سخت شده است. صحت این‌بار به سراغ جوانانی رفته که بعد از فارغ‌التحصیلی دچار چالش‌هایی می‌شوند و تا جایی که امکان داشته، سعی کرده چیزی نگوید تا به کسی بر بخورد، با همه اینها «لیسانسه‌ها» از ابتدای پخش مورد توجه مخاطبانش قرار گرفته است. به بهانه پخش این سریال با سروش صحت از چگونگی نگارش این سریال و اینکه چرا بار دیگر به سراغ ساخت سریال طنز رفته است، صحبت کردیم:

❧ **انتخاب سوزِها یا موضوع برای ساخت سریال طنز، قطعا سخت‌تر از قبل شده و بد نیست از همین انتخاب صحبت کنیم. سوزِها لیسانسه‌ها چطور انتخاب شد؟**

من و ایمان صفایی سال‌هاست با هم کار می‌کنیم. مدتی است برای نوشتن فیلم‌نامه کتابخانه ملی می‌رویم و در کتابخانه دور و بر ما یز از جوان‌هایی است که مشکلات خاص خودشان را دارند. مثلا صحبت از این است که چرا جوان‌ها ازدواج نمی‌کنند؟ در صورتی که شرایط ازدواج‌شان فراهم نیست، یا اینکه توصیه می‌شود جوان‌ها از وقتشان استفاده کنند و کار کنند که باز هم شرایط دشواری برای اشتغال وجود دارد. درعین حال همه مشغول درس‌خواندن هستند و مدرک می‌گیرند و با این مدرک لزوما راه به جایی نمی‌برند. ما فکر کردیم می‌توان بخشی از مشکلات جوان‌ها را در قالب یک سریال طنز ارائه داد، اما همان‌طور که گفتید، کار طنز روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود. من مدتی در این فکر بودم اصلا سریال طنز نسازم. سختی کار طنز این روزها موضوعات دیگری است، مثل اینکه معمولا نمی‌توان با کسی شوخی کرد، آدم‌ها در سریال طنز نباید شغل، شهر یا جنسیت داشته باشند که مبادا به کسی بر بخورد! می‌بینید که دست‌و‌پای ما بسته است.

در نگارش سریال «لیسانسه‌ها» هم مدام خودمان را محدود می‌کردیم، در آخر فکر کردیم اصلا با همین موضوع شوخی کنیم که چقدر دست‌وپای ما برای نوشتن شوخی بسته است. به‌هر حال، امیدوارم این موضوع باعث شود آدم‌ها فکر کنند این فقط یک شوخی است. مثلا اگر درباره یک معلم حرفی می‌زنیم، به این معنی نیست که معلم‌ها را مسخره کردیم، مشخص است معلم‌ها آدم‌های خوبی هستند، اگر نبودند که قطعا هیچ‌کدام از ما سواد نداشتیم. اگر درباره استاد دانشگاه صحبت می‌کنیم و نقدی را مطرح می‌کنیم، منظور ما همه استادان نیستند و شغل‌های دیگر... اگر قرار است چیزی نقد شود، پس باید درباره چه کسی صحبت کنیم؟ ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مشکلات کم نیست اما انکار اصلا نمی‌توان درباره آنها حتی حرف زد؟ امیدوارم بتوان درباره برخی مشکلات و مسائل صحبت و حتی با آنها شوخی کرد.

❧ **علاقه‌مندی مردم به دیدن فیلم طنز مدت‌هاست کیشه سینماها را گرم کرده است، اما این مشکل همچنان در تلویزیون وجود دارد که شوخی‌های کوچک به یک بحران تبدیل نشود.**

بله. سینما که خدا را شکر مدتی است رونق گرفته. مردم همان‌قدر که از فیلم‌های طنز و کمدی استقبال می‌کنند، فیلم‌هایی از ژانرهای دیگر را هم می‌بینند. خوشحالم فیلم‌های خوب، فروش خوبی دارند؛ «فروشنده» خوب می‌فروشد، فیلم‌های طنز و کمدی خوب دیده می‌شوند، «ایند و یک روز» که خیلی دوستش دارم یا «ایستاده در غبار» مورد توجه قرار گرفته‌اند. امیدوارم مردم همه ژانرهای سینمایی و فیلم‌های خوب را ببینند و از فیلم‌ها استقبال

بله. سینما که خدا را شکر مدتی است رونق گرفته. مردم همان‌قدر که از فیلم‌های طنز و کمدی استقبال می‌کنند، فیلم‌هایی از ژانرهای دیگر را هم می‌بینند. خوشحالم فیلم‌های خوب، فروش خوبی دارند؛ «فروشنده» خوب می‌فروشد، فیلم‌های طنز و کمدی خوب دیده می‌شوند، «ایند و یک روز» که خیلی دوستش دارم یا «ایستاده در غبار» مورد توجه قرار گرفته‌اند. امیدوارم مردم همه ژانرهای سینمایی و فیلم‌های خوب را ببینند و از فیلم‌ها استقبال

دنبال مچ‌گیری نباشیم

برخی از پزشکان مطلع شده بودند سریال جدید مدیری در یک بیمارستان روایت می‌شود و از همان زمان بین پزشکان این صحبت بود که قرار است ما را مسخره کنند! درکل می‌توان این‌طور نتیجه گرفت با هر شخصی یا شغلی شوخی شود، عده‌ای مدعی هستند آنها را به سخره گرفته‌ایم؛ در این شرایط گاهی تعجب می‌کنم آن دسته از دوستانی که همیشه معترض هستند چطور در مقابل فضای مجازی کاملا خلع سلاح شده‌اند؟ چراکه شدیدترین توهین‌ها و شوخی‌ها در این فضاها ردوبدل می‌شود. از طرف دیگر، در بحث شرایط دشوار ساخت سریال‌های طنز باید این نکته را نیز اضافه کرد ممیزی سلیقه‌ای هم در کنار مواردی که پیش از این اشاره کردم، کار را سخت‌تر می‌کند. ممکن است ناظر کیفی یک شبکه با مواردی در سریال مشکل داشته باشد، کم‌اینکه در شبکه کنارش شوخی مشابهی در سریالی وجود دارد و بدون ممیزی پخش می‌شود؛ با وجود همه این محدودیت‌ها سریال‌های طنز ما شبیه هم می‌شوند و اگر سریالی مثل «پایتخت» یا «شب‌های برره» کار متفاوت‌تری انجام دهند، به سریال‌های شاخصی تبدیل می‌شوند. هر از چند گاهی که تلویزیون سریال‌های قدیمی‌تر را پخش می‌کند، برخی از کیفیت خوب آن سریال‌ها صحبت می‌کنند در صورتی که بعد از ۲۰ سال انتظار دارند سریال‌های بهتری

ساخته شود، در صورتی که عملا این اتفاق نمی‌افتد. اما یک نکته مهم دیگر هم هست، گاهی با خودم فکر می‌کنم ای کاش می‌شد فیلم‌نامه‌ها را چاپ کرد تا مردم بدانند متنی که قرار است به سریال تبدیل شود در چه پروهی‌ای دچار جرح و تعدیل‌هایی می‌شود. مثل اینکه عده‌ای مأموریت دارند متن را خراب کنند؛ از اعمال سلیقه ناظر کیفی گرفته تا بازیگری که مثلا دیالوگ در دهانش نمی‌چرخد و طور دیگری جملات را ادا می‌کند که به‌هیچ‌وجه بار طنز ندارد، یا مسائل مالی که باعث می‌شود سریال در شرایط دیگری ساخته شود و همه اینها باعث می‌شود سریال پایین‌تر از حد انتظار نویسنده یا کارگردان مقابل دوربین برود. با وجود همه این شرایط، می‌بینید ساخت سریال طنز بسیار کار پرزحمتی است. با اطمینان می‌گویم همه همکاران من به همگی اقشار و قومیت‌ها احترام می‌گذارند و ساخت سریال‌های طنز صرفا به‌منزله شوخی است، آن‌قدر دنبال مچ‌گیری نباشیم. اگر این روال در ساخت سریال‌های طنز ما ادامه داشته باشد و نتوان با شخص، شغل یا قومیت خاصی شوخی کرد، درنهایت تعدادی سریال خنثی و تکراری خواهیم داشت و مجبوریم شخصیت‌ها را در این سریال‌ها برای خنداندن مخاطب احمق فرض کنیم و قطعا حاصل این روند سریال‌هایی بی‌کیفیت خواهد بود.



ششایار روند نویسنده

کشورهای دارای صنعت سریال‌سازی، معمولا در هر شاخه‌ای از ساخت سریال طنز، چند مورد را در شوخی‌هایشان لحاظ می‌کنند؛ از جمله شوخی با جنسیت، قومیت، سیاست و نهاد خانواده. اینها مواردی است که اساسا غیر از اینکه برخی از آنها خطوط قرمز ماست و نباید درباره آنها شوخی کرد، دیگر موارد هم به‌مرور دچار محدودیت شده است و حتی نمی‌توان درباره آنها حرف زد. در این شرایط حساب کنید چطور می‌شود سریالی مفرح و با شوخی‌های بازمه ساخت؛ در کنار اینها اضافه کنید که با شغل و منصب افراد هم نمی‌توان شوخی کرد و دست ما خالی‌تر از گذشته شده است. در این شرایط بسیاری از هنرمندانی که کار طنز تولید می‌کردند، عطایش را به لقایش می‌بخشد، چراکه عملا چیزی برای ساخت سریال طنز باقی نمی‌ماند. خاطرم هست چند ماه قبل از پخش «در حاشیه» و زمان نگارش سریال،